

سياستمدار افغان از آرزوهایش برای کشور، قهرمانانش و کنفرانس لندن سخن می گوید

مصاحبه با ملالی جويا

<http://www.newstatesman.com/2010/01/afghanistan-women-world>



چه خاطره از گذشته به یاد دارید؟

چهار روزه بودم که کودتای ۲۷ اپریل (۷ ثور) بوقوع پیوست و رژیم دست نشانده روسیه به قدرت رسید (در سال ۱۹۷۸). یکی از قدیمی ترین خاطره های من چسبیدن به پای مادرم هنگام تلاشی خانه ما توسط پولیس بود، که در جستجوی پدرم بودند. آنها تمام خانه را زیر و رو کردند تا مدارکی دریافت نمایند، روک های میز را پالیدند و حتی به پاره کردن دوشک ها و بالش های ما پرداختند.

آیا شما هنوز هم آرزوی بازگشت به پارلمان افغانستان را دارید؟

بلی، من برای تعلیق غیر قانونی خود به محکمه اعتراض کرده ام، اگر چه درین دو سال هیچ پیشرفتی صورت نگرفته است. دوسیه من توسط «اتحادیه بین پارلمانی» نیز تعقیب می گردد، اما آنان نیز از وعده های میان تھی پارلمان افغانستان بیزار شده اند.

من در اولین روز های پارلمان دریافتم که این محلی برای گردهم آمدن بدترین دشمنان مردم افغانستان است. اکثریت آنان جنگسالاران، قاچاقبران مواد مخدر و ناقضان حقوق بشر هستند. پارلمان؛ در کشور اشغال شده ای چون افغانستان جز نمایش دموکراسی چیز دیگری بوده نمی تواند. این پارلمان هیچ تغییر مثبتی طی پنج سال برای مردم ما به ارمغان نیاورده و یقیناً در آینده نیز هیچ کاری را از پیش نخواهد برد. آنان تنها قوانینی را به تصویب رسانیده اند که ضد دموکراسی و حقوق زنان اند.

زمانیکه من در پارلمان بودم، این مردان و زنان وحشی مرا در شرایط بدی قرار داده بودند، آنان مرا مانعی برای اجرای برنامه های شیطانی خود می دانستند. تعلیق من یک توطئه سیاسی بود ولی من هنوز هم میخواهم به این پارلمان بدنام و ضد دموکراتیک بازگردم، زیرا من آنرا تریبون خوبی برای بلند کردن صدای مردم بی صدایم و افشای ماهیت ارتجاعی آن از درون میدانم. آنجا من میتوانم این جنگسالاران قسی را به مبارزه بطلبم تا نتوانند قوانین مورد نظرشان را بدون دردسر و دور از چشم مردم به تصویب برسانند.

دپاڼو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادښت: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

قهرمانان سیاسی شما کیانند؟

من نمیخواهم فرد مشخصی را نام ببرم. ملیون ها مردم منکوب شده من قهرمانان من هستند. آنان منبع هر تغییر مثبت در افغانستان اند و نیروی آنان بزرگتر از هر چیز دیگر است؛ و معترضان ضد جنگ در هر نقطه جهان، آنانی که در مقابل سیاست های ویرانگر قدرت های جهانی می ایستند. به قول پاتریک تایلر در پهلوی دولت امریکا یک ابرقدرت دیگر وجود دارد و آن افکار عامه جهان است.

چه چیز شما را وامیدارد تا به مبارزه تان ادامه بدهید؟

رنج کشیدن مردم ما، بویژه زنان.

شما آیا در ترس زندگی میکنید یا امید؟

هر دو، هراس ازین دارم که شاید در زندگی نتوانم شاهد آزادی افغانستان و زندگی شاد در یک جامعه عادل و دموکراتیک برای مردم باشم. ولی آرزوی بزرگی دارم که سرانجام به آزادی، دموکراسی و رفاه میرسیم و این تنها توسط مردان و زنان کشورم امکان پذیر است.

طی ۳۰ سال کشمکش در افغانستان، ما تمام داشته های خود را از دست داده ایم، اما این چیز های زیادی را به ما آموخت، هوشیاری و آگاهی سیاسی مردم ما بلند رفته است که هرگز سلطه متجاوزین و نیروهای جنایتکار خارجی و داخلی را قبول نکنند. این بزرگترین سرمایه مردم افغانستان در مبارزه شان برای آزادی است، و برای من نوید از آینده روشن میدهد.

به نظر شما کنفرانس لندن چه دست آورد هایی را به همراه خواهد داشت؟

من هرگز چیز مثبت از کنفرانس لندن توقع ندارم. از سال ۲۰۰۱ به اینطرف کنفرانس های زیادی دایر گردیده است که هر چه بیشتر افغانستان را به چنگال نیروهای اشغالگر و مزدوران داخلی شان فرو برده است.

دولت افغانستان به نام مردم ما خواستار کمک از جامعه جهانی است ولی میلیارد ها دالر سرازیر شده در کشور مورد غارت و چپاول جنگسالاران، قاچاقبران مواد مخدر، انجیو های داخلی و خارجی و مقامات دولتی قرار میگیرد. قسمت عمده این کمک ها دوباره به جیب کشور های تمویل کننده بر میگردد.

به اساس منابع دولت امریکا، از سال ۲۰۰۱ بدینسو بیش از ۶۰ میلیارد دالر به افغانستان کمک گردیده است. این مبلغ درشت میتوانست افغانستان را به بهشتی تبدیل کند اگر استفاده مناسب از آن صورت می گرفت. ولی این پول به مردم نیازمند نرسید و یقینا در آینده نیز این کمک ها تاثیری بر افراد فقیر و بی بضاعت ندارد و تنها فاصله بین فقرا و ثروتمندان را عمیقتر خواهد ساخت.

در حالیکه بیش از ۷۰ درصد افغان ها زیر خط فقر زندگی می کنند، دولت افغانستان ۴,۲ ملیون دالر را صرف خرید اپارتمان لوکس در نیویارک برای اقامتگاه ظاهر ظنین نماینده دائمی افغانستان در ملل متحد می کند. این نمونه کوچکی است که چگونه کمک های بین المللی به هدر میرود.

کنفرانس لندن زمینه را برای بازگشت طالبان و حزب اسلامی حکمتیار به قدرت فراهم می سازد. دولت افغانستان از رهبران جهان خواهد خواست تا نام ملا عمر را از لست سیاه شورای امنیت حذف نمایند. افغان های عادی به این چنین کنفرانس ها هیچ باوری ندارند.

نظر تان در مورد حامد کرزی چیست؟

در میان افغان ها، شاهی به نام شاه شجاع به دلیل مزدوری اش به انگلیس ها در قرن ۱۹ منفور است. زمانی که روس ها ببرک کارمل را به قدرت نصب کردند؛ شاه شجاع دوم لقب گرفت. امریکا و متحدانش از سال ها بدینسو در تلاش اند تا حامد کرزی را منحصیث یک رهبر مقتدر تصویر نمایند، اما برای افغان ها دولت او فاسدترین و منفورترین دولت در تاریخ معاصر کشور است. کرزی شاه شجاع سوم است؛ یک دست نشانده امریکا که در همسویی با دشمنان داخلی ما قرار دارد.

برادران خودش متهم به دست داشتن در تجارت مواد مخدر اند. گفته میشود احمد ولی کرزی، برادر ناتنی وی از مزدگیران سی آی ای میباشد.

و نظر تان در مورد بارک اوباما؟

حالا برای اکثریت مردم جهان ثابت شده است که اوباما یک جنگ افروز است و چیزی متفاوت از بوش نیست. آرزو های کلانی که مردم امریکا از او داشتند تدریجا به یاس میدل میگرددند. شهرت او در همین مدت کوتاه ریاست جمهوری اش، نسبت به هر رئیس جمهور پیشین امریکا در حال فروکش است.

اوباما با کشاندن دامنه های جنگ به پاکستان، ایران، یمن و افزایش نیروی های نظامی در افغانستان، جهان را بسوی بی عدالتی و نا امنی عمیقتر میکشاند. در حالیکه میلیارد ها انسان در اکثر نقاط جهان و در داخل امریکا فقر را تجربه میکنند، اوباما در حال افزایش بودجه پنتاگون به یک ریکارد ۷۰۸ میلیارد دالری برای سال مالی ۲۰۱۱ است که مسخره است. مصرف درست این مقدار پول هنگفت میتواند صلح و رفاه را در تمام جهان تامین نماید.

کسانی که اوباما را امیدی برای تغییر می پنداشتند، باید در قدم نخست گذشته او را مرور می کردند. او در جریان ماموریت اش در سنا به جنگ در افغانستان و عراق رای مثبت داده بود، او به "Patriot Act" رای مثبت داد (مترجم:

لایحه‌ای تحت عنوان "میهن دوستی" که دولت بوش طرح و اجرا کرد و زیر نام مبارزه با تروریسم به دستگاه مجریه آمریکا اجازه آزادانه بر نظارت بر مکالمات و حرکات افراد جامعه را داد، او از حمایه لایحه مراقبت های صحتی سر باز زد و از مجازات اعدام پشتیبانی کرد. او با حمایه سازمان های سرمایه داری به قدرت رسید و آنان میخوانند تا او سیاست ملتاریستی آمریکا را ادامه دهد، او با ما نیز از آنان اطاعت می کند.

امیدوارم او با ما درسی برای مردم آمریکا باشد، تا زمانیکه نظام سیاسی کنونی در آنجا پابرجاست، هیچ رئیس جمهور؛ چه سفید و چه سیاه، بانی هیچ یک "تغییر" اساسی شده نمیتوانند. در بهترین حالت آنها میتوانند بعضی تغییرات ظاهری را ایجاد کنند نه چیز دیگر.

چه تغییرات بعد از سقوط طالبان در افغانستان رونما گردیده است؟

امریکا و متحدانش بعد از ۱۱ سپتمبر تحت شعار آوردن صلح، دموکراسی و حقوق زنان؛ افغانستان را اشغال کردند. ولی آنها طالبان وحشی را با جانوران ائتلاف شمال تعویض کردند- کسانی که متفاوت بنظر میرسند اما از لحاظ فکری با هم یکی اند- با این کار به حقوق بشر خیانت صورت گرفت.

افغانستان امروز نه تنها یک پناهگاه امن برای تروریسم است، بلکه کشوری مافیایی است که در صدر کشور های بی ثبات در دنیا قرار دارد. افغانستان ۹۳ در صد تریاک جهان را تولید می کند و حتی تعدادی از وزرا و اعضای خانواده کرزی در این تجارت کثیف دست دارند. تبدیل افغانستان به مرکز مواد مخدر دنیا بخشی از برنامه های پنهانی ایالات متحده و ناتو بود که به آن دست یافتند.

وضعیت زنان امروز به اندازه گذشته فاجعه آمیز است، در بعضی از شهر های بزرگ تعدادی از زنان به وظیفه و آموزش دسترسی دارند اما در اکثر ولایات زنان زندگی رقتبار دارند. در مناطق روستایی، اکثریت زنان حتی زندگی انسانی ندارند؛ ازواج های اجباری، عروسی دختران خرد سال و خشونت های خانوادگی از جمله مسایل عادی بحساب می آیند. تجاوز دسته جمعی روز بروز در حال افزایش است به اندازه که در تاریخ کشور ما نظیر ندارد. خود کشی به نقطه اوج خود رسیده و هر روز خبر از خود سوزی زنان به ما میرسد که برای رهایی از چنگال فقر و گرفتاری های روزگار به خودکشی رو می آورند.

آخرین کتابی که خواندید چه بود؟

«بازی شیطانی: چگونه ایالات متحده آمریکا به بنیادگرایی اسلامی کمک کرد» به قلم رابرت دریفوس. با مطالعه این کتاب انسان خوبی در می یابد که "جنگ علیه تروریسم" فریبی بیش نیست، موضوع خانوادگی است بین دولت آمریکا و مخلوقات بنیادگرایی. با آنکه با بعضی از نقطه نظر های این کتاب موافق نیستم، اما این کتاب را برای کسانی که میخوانند سیاست های پنهانی و بازی های کثیف آمریکا و متحدانش را طی چند دهه گذشته در افغانستان بدانند تجویز می کنم. این کتاب برای آنانی که طالبان، رژیم فاشیستی ایران و دیگر گروه های بنیادگرایی را "ضد امپریالیست" می پندارند، چشم بازکن خواهد بود.

شما به چه اقدامات پیشگیرانه امنیتی نیاز دارید، در حال حاضر خانواده شما تحت تهدید قرار دارند؟

از وقتیکه از پارلمان اخراج گردیدم، زندگی برای من در افغانستان مشکل گردیده است. از گشت و گذار آزاد و ملاقات با مردم در نقاط مختلف افغانستان محروم گردیده ام، روی همین ملحوظ تلاش هایم را در سطح بین المللی معطوف داشته ام. منزل را هر از چند گاهی تغییر میدهم و حتی نمیتوانم دفتر داشته باشم. هنگام بیرون شدن از منزل چادری به سر می کنم و محافظین امنیتی به همراه دارم، در محافل عمومی شرکت کرده نمیتوانم، روی هم رفته مصون نیستم و تهدید دریافت می کنم.

آیا فکر می کنید که اکثریت زنان افغانستان از دیدگاه های شما را در مورد دولت کرزی حمایت می کنند؟

بلی، به این امر مطمئن ام، من در مورد زنانی حرف می زنم که رنج می کشند و خاموش اند، زنانی که اکثر در اطراف کشور زندگی می کنند و از همه چیز محروم اند. این زنان همچنان توسط رسانه ها نادیده گرفته میشوند.

منتقدین شما می گویند که شما از آنها نمایندگی نمی کنید.

بیشتر منتقدین من جنگسالاران، طالبان و دست نشانده های آمریکا است. تعداد زیاد از زنان پارلمان افغانستان از آن جمله هستند، مناسفانه آنان جنگسالاران زن اند. دولت آمریکا مشتی از زنان را در کابل دارد که از آنان منحیت زینت المجلس استفاده می کنند: به آنان جوایز اعطا می گردد، توسط مطبوعات غربی برجسته میشوند و در نشست های بین المللی به نمایندگی از افغانستان فرستاده می شوند. اینچنین زنان در تلاش ماست مالی کردن اعمال زشت آمریکا و رژیم دست نشانده آنان بوده و اشغال افغانستان توسط آمریکا را توجیه می کنند.

آنان یک اقلیت کوچک را تشکیل داده و زندگی مجلل در کابل و سایر شهر های افغانستان دارند، که وحشی گری های چند سال اخیر را تجربه نکرده اند. از زمان اشغال به اینطرف به سرمایه و شهرت دست یافته اند و ازین می هراسند که با خروج نیرو های آمریکایی موقعیت شان را از دست بدهند. این طبیعی است که چنین افغان ها علیه من می ایستند.

چه فرصت های بهتری برای زنان افغانستان در زمان حضور نیروهای خارجی در کشور وجود دارد؟ آیا شما به این معتقدید که این بخش از برنامه آنان است، چنانچه آنان به این باور اند؟

تنها بعضی تغییرات نمایشی و تزئینی بوقوع پیوسته است. اکثریت ۶۸ زنی که به پارلمان فرستاده شده اند طرفداران جنگسالاران هستند؛ وزارت زنان هیچ چیز مثبت تا بحال برای زنان انجام نداده است.

ما افغان ها بخوبی آگاهیم که امریکا و متحدانش برای برآوردن منافع استراتژیک، اقتصادی و منطوقوی به اشغال افغانستان پرداخته و هیچ توجه به آرزو های مردم ما ندارد. بنابراین "آزادی" زنان افغانستان هیچگاه جزئی از برنامه واقعی آنان نبوده است. این دروغی بیش نیست. این به اصطلاح آزادی اعطا شده توسط امریکا برای افغانستان عمدتا در خدمت جنگسالاران و قاچاقبران مواد مخدر است که آزادانه به جنایات خود ادامه داده و به قاچاق مواد مخدر بپردازند.

آیا نظر سنجی ها نشاندهنده حمایت افغان ها از حضور نیروهای خارجی نیست؟

این تنها یک جنگ نظامی نیست، بلکه جنگ تبلیغاتی نیز است. در آخرین نظر سنجی که توسط بی بی سی صورت گرفته است گفته میشود که ۷۰ در صد افغان ها به این نظر اند که کشور در راه درستی رهبری میشود و ۷۱ درصد از حامد کرزی پشتیبانی می کنند. حتی حیوانات نیز به این ارقام ارائه شده می خندند! اگر کرزی به این اندازه محبوب می بود، چرا به زور قلب در انتخابات به پیروزی رسید؟ متأسفانه مطبوعات طراز اول غربی نقش بشدت منفی را در ارتباط به افغانستان بازی می کنند، آنها نسبت به مردم ما صادق نیستند.

شما خواستار خروج نیروهای خارجی از افغانستان هستید، ولی بعد از آن چه خواهد شد؟

افغان ها با سه دشمن روبرو هستند؛ نیروهای اشغالگر، طالبان و جنگسالاران. زمانیکه نیروهای امریکایی از افغانستان خارج کردند، طالبان و جنگسالاران حامی شان را از خواهند داد. این برای افغان ها آسان خواهد شد تا با هم متحد شده و به نابود ساختن دشمنان داخلی شان بپردازند.

دولت امریکا یک افغانستان دموکراتیک را نمیخواهد، بنا آنها روی مزدورانشان که تا مغز استخوان ضد دموکراسی و حقوق زنان هستند حساب می کنند. اکنون دوستان امریکا در افغانستان افراد جنایتکار و تاریک اندیش اند.

افغانستان هرگز روی آزادی و دموکراسی را نخواهد دید؛ تا زمانیکه چنین عناصر کثیف در قدرت باشند.

آیا دموکراسی می تواند در جوامع محافظه کار و قبیلوی چون افغانستان رشد یابد؟

ما در قرن ۲۱ زندگی می کنیم، دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده است. سال ها جنگ و کشمکش افغانستان را تغییر داده و دانش سیاسی مردم آن رشد کرده است. این امریکا و مزدورانشان اند که تلاش دارند باعث بدنامی مفهوم دموکراسی در افغانستان گردند.

مردم ما دموکراسی می خواهند و اکنون میدانند که نیروهای اشغالگر هرگز در پی آوردن دموکراسی نیستند، زیرا دموکراسی بدون استقلال معنی نخواهد داشت. زمانیکه مردم افغانستان صدای شان را برای آزادی بلند نمایند، نیروهای غربی برچسب "قبیلوی" و "ضد دموکراسی" به آنان میزنند. این در حالیست که جنگسالاران بیرحم و طالبان؛ آنانیکه اشغال امریکا را پذیرفتند و در پارلمان حضور دارند "دموکرات" نامیده میشوند!

چه چیز را میخواهید فراموش کنید؟

حملات پست دشمنان خود را.

آیا ما همه محکوم سرنوشت هستیم؟

نخیر، ما میتوانیم با مبارزه و تلاش سرنوشت خود را تغییر دهیم.

لحظات مهم:

۱۹۷۸ تولد در فراه، غرب افغانستان

۱۹۸۲ ترک افغانستان با فامیل، زندگی در کمپ مهاجرین در ایران و بعد در پاکستان

۱۹۹۸ بازگشت به افغانستان، عرض اندام کردن بحیث فعال حقوق زنان

۲۰۰۱ براه انداختن مرکز صحتی و پرورشگاه برای اطفال

۲۰۰۵ انتخاب شدن بحیث جوانترین عضو پارلمان افغانستان

۲۰۰۷ تعلیق عضویت از پارلمان به دلیل انتقاد از همکاران پارلمانی

۲۰۰۹ نشر کتاب سرگذشت «بلند کردن آواز من»